افزایش تجاوز به دختران کم‌سن و سال در غرب نتیجه آموزش‌های جنسی

«جیل کربی»*

هرچه بیشتر درباره امور جنسی با نوجوانان حرف بزنید، آنها روابط جنسی بیشتری خواهند داشت و نتیجه کار، بارداری‌های ناخواسته بیشتر خواهد بود.

شاید با خود بیندیشید این موضوع که خیلی روشن است. اما دهه‌هاست که تشکیلات لیبرال دقیقا عکس این می‌اندیشد. به اعتقاد آنها اگر درباره خطرات رابطه جنسی محافظت نشده با نوجوانان حرف بزنید، آنها کمتر این کار را انجام می‌دهند یا تفکرات ناشی از قضاوت سوء آنها از بین خواهد رفت.

اما اکنون یک مطالعه دانشگاهی کاملا نشان داده که این افکار مترقیانه چقدر گمراه‌کننده بوده‌اند.

«دیوید پتون» از مدرسه بازرگانی دانشگاه ناتینگهام و «لیام رایت» از دانشگاه شفیلید دریافته‌اند در مناطقی که شوراها بودجه خود را برای برنامه‌های آموزش امور جنسی به شدت کم کرده‌اند، بارداری نوجوانان عملا کاهش یافته است.

به نوشته نشریه هلت اکونومیکز این دو چهره دانشگاهی به این نتیجه‌گیری رسیده‌اند که «صرف هزینه روی پروژه‌های مرتبط با بارداری نوجوانان می‌تواند نتایجی وارونه به بار بیاورد.»

به عبارت دیگر هرجا که دولت تلاش کرده با آموزش امور جنسی به نوجوانان آنها را از رفتن به سمت روابط جنسی دلسرد کند، نتیجه عکس حاصل شده است.

این مطالعه اثرات کاهش شدید بودجه را بعد از بحران مالی سال ۲۰۰۸ از سوی مقامات محلی مورد بررسی قرار می‌دهد؛ بودجه‌ای که تا پیش از آن در قالب میلیون‌ها دلار هر سال صرف تدارک تمهیدات پیشگیری جنسی نظیر در دسترس قرار دادن قرص‌های نظارت بعد از رابطه، استخدام هماهنگ‌کننده‌های کارشناس در زمینه بارداری نوجوانان، راه‌اندازی کلینیک‌های سلامت جنسی و برگزاری کلاس‌های آموزش سکس و روابط بین دو جنس در مدارس می‌شد.

نکته تکان‌دهنده این است که این تازه‌ترین مطالعه دقیقا همان چیزی را ثابت می‌کند که عده‌ای از ما که در این حوزه صاحب تخصص هستیم، سال‌ها از آن سخن می‌گفتیم.

به طور خاص در سال ۲۰۰۴ گزارشی از سوی تراست آموزش خانوادگی- یک اندیشکده مستقل که اثرات فروپاشی خانواده را مورد مطالعه قرار می‌دهد- نشان می‌داد در مناطقی که بیشترین پروژه‌های مرتبط با بارداری نوجوانان در آنها اجرا می‌شد، بارداری درمیان نوجوانان در حال افزایش بود.

در این گزارش – با عنوان آموزش جنسی یا شستشوی مغزی؟- به طور مشخص آمده بود که جزوه‌های آموزش‌های صریح جنسی و کاندوم رایگانی که در قالب طرح‌های دولتی در اختیار دختران کم‌سن و سال قرار داده می‌شود، صرفا آنها را تشویق به برقراری روابط جنسی می‌کند. این گزارش ادعا می‌کرد که ارتباط مستقیمی بین آموزش جنسی به نوجوانان از این نوع و افزایش شمار نوزادان متولد شده وجود دارد.

امروز یک بار دیگر شواهد روشنی از وجود ارتباطی مستقیم بین آموزش جنسی و نوجوانانی که اقدام به برقراری رابطه جنسی می‌کنند وجود دارد. با این حال رویکرد دولتی اصرار بر این دارد که آموزش‌های جنسی- از سنینی هر چه پایین‌تر- تنها پاسخ این بحران است.

تنها در سال جاری رویال اسنت اختصاص داده شده به کودکان و قانون کار اجتماعی سال ۲۰۱۷ تمام مدارس راهنمایی در انگلیس را ملزم به آموزش‌های جنسی و مدارس ابتدایی را ملزم به گنجاندن مفاهیم مربوط به «روابط» در برنامه درسی می‌کند.

اگرچه برای برخی از دانش‌آموزان این نوع درس‌ها می‌تواند در سن مناسب مفید باشد، اما هم اکنون با فشار شدیدی از ناحیه صنعت آموزش جنسی مترقیانه برای پایین آوردن مداوم سن آموزش این مفاهیم مواجه‌ایم.

چند سال پیش تحقیقی که از سوی خیریه موسسه مسیحی انجام شد، دریافته بود که مدارس ابتدایی از درس‌های آموزش جنسی با استفاده از تصاویر گرافیکی به شکل قصه‌های مصور با توضیحات همراه با کاریکاتور درباره خودارضایی و ارگاسم و طرح‌هایی مدادی برای توضیح تفاوت بین ناهمجنس‌خواهی و همجنس‌خواهی چشم‌پوشی کرده‌اند.

در عین حال ماه گذشته نمایندگان کنفرانس اتحادیه ملی معلمان در کرادیف خواستار آن شدند که به کودکان نوپا در مهدکودک‌ها درباره مسائل مربوط به دوجنس‌گرایی، همجنس‌گرایی و اختلال هویت جنسی آموزش داده شود.گذشته از اینکه چنین کاری سرقت خوف‌انگیز معصومانگی از کودکان است، این رویکرد نسبت به آموزش‌های جنسی حتی برای کودکان بزرگ‌تر همچون سیلی بر صورت عقل سلیم است.

اگر آموزش‌های جنسی به کودکان را در سنینی هرچه پایین‌تر شروع کنید، پیامد اجتناب‌ناپذیری که در پی می‌آید این خواهد بود که آنها از سنینی هرچه پایین‌تر دست به کار خواهند شد و برای تجربه کردن این روابط تلاش خواهند کرد.

دلیل چنین اتفاقی این است که مقدار اندکی از این آموزش‌های جنسی با ممنوعیت‌های اخلاقی یا هر پیام خویشتنداری یا خودداری همراه هستند. برای همین تمام این درس‌های مختلف نوجوانان را نه تنها به فکر کردن به مسائل جنسی بلکه به فکر کردن به آن به عنوان چیزی جذاب تشویق می‌کند.

بله برای نوجوانان پیشرفته‌تری که به هر روی خیال برقراری روابط جنسی دارند، فرصت پیشگیری آزادانه ارائه شده در قالب این برنامه‌ها می‌تواند بارداری را کاهش دهد، اما برای آن کودکانی که از مسائل جنسی اکراه دارند یا از اشاره به آن خجالت می‌کشند، این کلاس‌ها فشاری را برای داشتن رابطه جنسی به آنها وارد خواهد کرد که قبلا تجربه نمی‌کردند. سپس وقتی که کلینیک‌های سلامت جنسی ارائه کاندوم با لحاظ کردن سیاست پرسش بی‌پرسش آغاز به کار کردند، همه چیز بسیار ساده‌تر می‌شود.

موضوعیت پیدا کردن مسائل جنسی برای نوجوانانی که در غیر این صورت به شدت نسبت به این مسائل محتاط بودند، ناگهان به شدت افزایش پیدا می‌کند. به ناگهان روابط جنسی پایین تر از سن مقتضی به یک هنجار اجتماعی تبدیل می‌شود و این ما را به رویه بسیار تاریک‌تر عادی‌سازی روابط جنسی نوجوانان و مسئله‌ای که باید همه ما را به خود آورد می‌رساند.

همان‌طور که تراست آموزش‌های خانوادگی در سال جاری فاش کرده، برخی از دخترانی که در رسوایی‌های سوء استفاده جنسی در «راچدل» و «آکسفورد» توسط دار و دسته‌های آسیایی برای روابط جنسی مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به کلینیک‌های مشاوره جنسی نوجوانان مراجعه کرده بودند.

آنها که فقط ۱۳ یا ۱۴ سال داشتند نه برای مشورت گرفتن در این باره که چگونه از روابط جنسی پیش از سن مقتضی پرهیز کنند، بلکه به منظور دریافت لوازم پیشگیری به متخصصان سلامت جنسی مراجعه کرده بودند که آنها نیز حاضر و آماده این وسایل را در اختیارشان قرار می‌دادند.

همانطور که «نورمن ولز» مدیر تراست آموزش‌های خانواده می‌گوید: «شواهد موجود در بررسی موارد جدی اخیر، به روشنی نشان می‌دهد که نقص‌های اساسی موجود در نگرش‌های حرفه‌ای نسبت به فعالیت جنسی در سنین پایین، در بهره‌کشی و سوء استفاده‌های جنسی نقشی مستقیم داشته است.»

چندین دهه است که ما با قابل پذیرش کردن روابط جنسی و تسهیل آن، از نوجوانان کم سن و سال قصور کرده‌ایم. این فلسفه شکست خورده در کاهش بارداری نوجوانان از دهه هفتاد آغاز شد. این کار همزمان بود با عادی‌سازی روابط جنسی خارج از ازدواج به همراه قرص‌های ضد بارداری و نگرشی کلی نسبت به اینکه باید درباره لذات رابطه جنسی با کودکان سخن گفت، نه اینکه فقط به آنها نه بگوییم و از آنها بخواهیم که صبر کنند.

نگرش محافظت از کودکان نگرشی عقب مانده و از مد افتاده قلمداد می‌شد. فرض بر این بود که آنها هر چه بیشتر بدانند برایشان بهتر خواهد بود و نتیجه چه شد؟ افزایش شدید بارداری نوجوانان. در سال ۱۹۹۹ بریتانیا بالاترین نرخ بارداری نوجوانان در اروپا را داشت، نرخی که دسترسی ساده به امکانات رفاهی برای مادران نوجوان بیشتر نیز شد. این ارقام با افزایش رشد شدید گسست خانوادگی نیز همزمان بود. تنها در سال‌های اخیر این ارقام اندک اندک رو به کاهش گذاشته‌اند.

اگر نخواهیم از انصاف دور شویم، باید گفت که برنامه‌های بارداری نوجوانان با حسن نیت همراه بود، اما این برنامه‌ها به شدت غلط از کار درآمدند و بی‌دلیل دختران جوان را در معرض اذیت و رنج قرار داد.

در برخی از مدارس کوشش شده مواد آموزشی بهتری ارائه شود، به همراه پیشنهادهایی به دانش‌آموزان که بهتر است خویشتنداری کنند یا منتظر بمانند. اما این رویکرد هنوز خیلی مانده تا به یک هنجار تبدیل شود. در دولت هنوز به این ایده چسبیده‌اند که پاسخ دادن درباره بالا بردن دانش کودکان در مورد مسائل جنسی مشکل است.

آنها این خط را دنبال می‌کنند که ما هرچه بیشتر درمورد مسائل جنسی به کودکان بگوییم، آنها ایمن‌تر خواهند بود. ولی ما کوهی از شواهد در دست داریم که عکس این وضعیت را نشان می‌دهند، به خصوص برای دختران جوان آسیب‌پذیری که در «روچدل» مورد تجاوز قرار گرفتند. این جدیدترین یافته که مطالعات متعددی بر آن مهر تایید می‌زنند، باید برای همه کسانی که با چسبیدن به ایده‌های منسوخ و زیانبار در حفاظت از جوانانمان قصور کرده‌اند، زنگ هشداری برای بیدار شدن باشد.

*** متخصص امور خانواده در غرب**
منبع: فارس

چه کنیم تا غرق نشویم؟

باز هم تابستان و کابوس پر تکرار خاموش شدن چراغ زندگی در آب دریا

هر سال با آغاز فصل تابستان خیل مسافران بار سفر بسته و راهی استان‌های مختلف کشور می‌شوند. در این بین استان‌های ساحلی در جنوب و شمال کشور به علت وجود موهبت الهی دریا و همچنین استان‌هایی که دارای رودخانه‌های طبیعی و زیبا و یا سدهای عظیم هستند یکی از مقاصد عمده مسافران می‌باشند. در کنار لحظات شیرین سفر که در فرهنگ مردم ما حتی با وجود مشکلات اقتصادی و گرانی هنوز جایگاه خاصی دارد، برخی حوادث و غفلت‌ها متاسفانه سفر شیرین را تبدیل به بدترین خاطره زندگی می‌کند. حوادثی از قبیل سوانح رانندگی که سالانه جان هزاران نفر از مردم کشورمان را می‌گیرد.همچنین حوادث دیگری که موضوع اصلی این نوشتار است یعنی غفلت و غرق شدن هموطنان به ویژه نسل جوان و پر ارزش کشور در دریا و رودخانه‌ها که هرسال خانواده‌های زیادی را عزادار می‌کند.

به این آمارها توجه کنید: طبق اعلام سازمان پزشکی قانونی کشور، تابستان سال گذشته ۴۳۱ نفر بر اثر غرق‌شدگی در کشور جان خود را از دست داده‌اند که این رقم ۴۲ درصد از کل تلفات غرق‌شدگی در سال ۱۳۹۶ را به خود اختصاص می‌دهد.

در سال گذشته به طور کلی یک هزار و ۲۶ نفر بر اثر غرق‌شدگی جان خود را از دست دادند که ۸۵۸ نفر از آنان مرد و ۱۶۸ نفر زن بودند؛ بر اساس آمارها تعداد قابل توجهی از این قربانیان در فصل تابستان جان باخته‌اند.

همچنین بیشترین میزان تلفات غرق‌شدگی در هر سال مربوط به رودخانه‌ها است به نحوی که در سال گذشته ۲۸۷ نفر در رودخانه‌ها جان خود را از دست دادند این در حالی است که آمار تلفات غرق‌شدگی در دریا در رتبه بعدی از رودخانه‌ها قرار می‌گیرد. در سال گذشته از کل تلفات غرق‌شدگی ۱۶۰ نفر (۱۴۲ نفر محدوده غیر مجاز و ۱۸ نفر مناطق ایمن سازی شده) در دریا جان باخته‌اند.

در سال ۱۳۹۶ بیشترین موارد غرق‌شدگی به ترتیب در ماه‌های تیر با ۱۵۲، مرداد با ۱۵۰ و شهریور با ۱۲۹ فوتی گزارش شده است. به بیان دیگر فصل تابستان به دلیل افزایش حجم سفر و تمایل افراد به شنا در دریا و رودخانه همواره با افزایش تلفات غرق شدگی نسبت به دیگر ایام سال مواجه است.

بر اساس این گزارش در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۴ نیز بیشترین موارد غرق شدگی مربوط به فصل تابستان و بیشترین غرق شدگی در دریا، خارج از طرح‌های سالم‌سازی بوده است. در سال ۱۳۹۵، ۳۸۵ نفر بر اثر غرق شدگی جان باخته اند، این رقم در سال ۱۳۹۴ برابر با ۳۸۰ کشته بوده است.

چند توصیه مهم

در همین زمینه سازمان پزشکی قانونی در آستانه آغاز تعطیلات تابستانی و افزایش میزان سفر به ویژه به مناطق شمالی کشور ضمن هشدار به هموطنان، توصیه می‌کند افراد تنها از طرح‌های سالم‌سازی و تحت مراقبت برای شنا کردن استفاده کنند و به رعایت نکات ایمنی توجه کافی داشته باشند.

خطر
منطقه ممنوعه شنا
شهرداری بابلسر

از آنجا که بر اساس آمارهای موجود تعداد قابل توجهی از موارد غرق‌شدگی در رودخانه‌ها و آب‌های کم عمق اتفاق می‌افتد در ادامه توصیه‌هایی برای پیشگیری از غرق‌شدگی در رودخانه‌ها مطرح می‌شود:

* آشنایی با فنون اولیه شنا، آشنایی با محدودیت‌ها و رعایت آنها از ابتدایی‌ترین الزامات قبل از شنا است.

* اطلاع از وضعیت عمق آب قبل از تصمیم به شیرجه زدن و حتی قبل از ورود به آب ضروری است. چرا که شیرجه در آب‌های کم عمق خطر ضربه به سر و نیز شکستگی گردن را به دنبال دارد.هم چنین ورود به آب‌های عمیق برای مبتدیان، خطر غرق شدگی را افزایش می‌دهد.

* بررسی دمای آب نیز ضروری است، به عنوان مثال اگر مدت زیادی در آفتاب مانده‌اید، از وارد شدن ناگهانی به آب سرد خودداری کنید، علت این توصیه پیشگیری از شوک دمایی است.

* به هیچ وجه تنها و در محیط‌هایی که نجات غریق وجود ندارد، شنا نکنید.

* در آب و در موقع شنا از شوخی‌های خطرناک بپرهیزید.

* پس از مصرف داروهایی که موجب خواب‌آلودگی یا شل شدن عضلات می‌شوند، شنا نکنید.

* به هیچ وجه تشت‌های آب و لگن‌ها و یا حوضچه‌های کوچک آب را در جایی که کودک خردسال وجود دارد، بدون توجه رها نکنید.

* در حمام و حین استفاده از وان مراقب کودکان و سالمندان باشید.

* توانایی خود را در شناکردن بیش از حد در نظر نگیرید. یک سوم قربانی‌های غرق شدگی با فن شنا به طور کامل آشنا بوده‌اند.

* در صورت مواجه با یک غریق، اگر با فن نجات غریق آشنا نیستید، سعی کنید فقط با استفاده از چوب یا طناب یا جلیقه نجات و یا تشکیل زنجیره انسانی به وی کمک کنید.

* برای نجات یک غریق اول امنیت خود را در نظر بگیرید. از پشت به غریق نزدیک شوید و از او بخواهید تقلا نکند.

* پس از رساندن غریق به ساحل، به سرعت با اورژانس تماس بگیرید.

* بسیاری از رودخانه‌ها با وجود ظاهری آرام بسیار خطرناک و عمیق هستند به نحوی که فرد بعد از چند قدم جلو رفتن در رودخانه متوجه عمق زیاد آن شده و گرفتار گرداب می‌شود، بنابراین توصیه می‌کنیم بدون اطلاع از وضعیت رودخانه هرگز برای شنا در آن اقدام نکنید. به یاد داشته باشیم بیشترین غرق شدگی در رودخانه‌های کشور اتفاق افتاده است.

شرایط دریای خزر با استخر و دریاهای دیگر متفاوت است

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر هم با اعلام هشدار نسبت به غرق شدگی مسافران تابستانی در دریای خزر گفت: از والدین کودکان عازم استان‌های مجاور دریا درخواست می‌کنم که از تنها گذاشتن کودکان خود در کنار سواحل دریا خودداری کنند.

به گزارش ایرنا، مرتضی سلیمی همزمان با اجرای طرح ملی امداد و نجات تابستانه هلال احمر در سراسر کشور افزود: والدین کودکان گردشگر و مسافران تابستانی عازم مناطق ساحلی کشور باید توصیه‌های ایمنی نیروهای امدادرسان را جدی بگیرند و به منظور کاهش تلفات ناشی از غرق شدگی، در محیط‌های آبی و دریایی از مکان‌های سالم سازی شده و ایمن برای شنا استفاده کنند.

سلیمی ادامه داد: شنا با کودکان در طرح‌های سالم سازی و ایمن شده، پوشاندن جلیقه نجات به کودکان داخل قایق و نزدیک ساحل، اجتناب از نزدیک شدن به آب و دریای طوفانی همراه با کودکان و اجتناب از شناکردن در دریای طوفانی از دیگر مواردی است که والدین باید در مسافرت به استان‌های ساحلی کشور به آنها توجه کافی و لازم را داشته باشند.

وی با اشاره به خطرات احتمالی شنا در مناطق ناشناخته و شنا ممنوع در محیط‌های آبی و دریایی، از تمام مسافران و شناگران خواست در مناطق امن و طرح‌های سالم سازی دریا شنا کنند.

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر، علت عمده غرق شدن مسافران تابستانی در دریای خزر را آشنا نبودن این افراد به فنون شنا در دریا عنوان کرد و اظهار داشت: برخی افراد بدون آشنایی از شرایط و وضعیت دریا و بدون داشتن مهارت شنا زده در هر نقطه‌ای به دریا می‌زنند، غافل از اینکه شرایط دریای خزر نه تنها با استخر بلکه با دریاهای دیگر نیز متفاوت است.

سلیمی افزود: آشنا نبودن با وضعیت ساحل، ویژگی‌های موج، وجود جریان‌های شکافنده مرگبار و بستر خزر شرایطی را مهیا کرده که حتی می‌تواند برای شناگران بسیار ماهر نیز خطرناک باشد. از این رو برخی شناگران بسیار ماهر، هنگام شنا در نقاط غیرایمن این دریا و خارج از طرح‌های دریا با خطر مواجه شده و در مواردی حتی جان خود را از دست داده‌اند.

وی در مورد حریم ایمن شنا در دریای خزر، گفت: محدوده شنا در این دریا، مناطقی در طرح‌های سالم‌سازی هستند که بستر دریای آن از سوی کارشناسان مربوطه تائید شده و محدوده آن به دلیل وجود علایم مشخص‌کننده دریایی و عدم تردد قایق‌های مسافری و حضور مستمر ناجیان غریق برای شنا کردن مناسب است؛ از این رو توصیه می‌شود مردم از شنا در مناطقی که از بستر آن آگاهی ندارند، پرهیز کنند.

رئیس سازمان امداد و نجات هلال احمر به برخی نکات ایمنی هنگام شنا در دریای خزراشاره کرد و افزود: مسافران تابستانی از شنا کردن در سواحل ناشناخته جدا خودداری کنند، زودتر از دو ساعت پس از صرف غذا به شنا نپردازند، فقط در مناطق تحت نظارت ناجیان غریق شنا کنند و با دیدن پرچم سیاه و قرمز از شنا در منطقه خطر پرهیز کنند.

سلیمی اظهار داشت: مسافران تابستانی حتی‌المقدور در مسافت‌های طولانی به موازات ساحل شنا کنند، هنگام رعد و برق و طوفان سریعا از آب خارج شوند، برای شوخی و گول زدن دیگران، خود را به حالت غریق نیندازند و هیچ گاه به تنهایی شنا نکنند.

وی خطاب به مسافران تابستانی دریای خزر گفت: هیچ گاه در تاریکی برای شنا به دریا نروند، در کنار دریا همواره مراقب کودکان خود باشند، از هل دادن یکدیگر در آب جدا خودداری کنند و هنگام شنا در فاصله زیاد مراقب قایق‌های عبوری باشند.

رئیس سازمان امداد و نجات هلال‌احمر گفت: در صورت نبود ناجی غریق هنگام نیاز فرد در حال خطر، اگر عمق آب دریا مناسب بود با ایجاد زنجیره انسانی و با گرفتن دست یکدیگر و در صورت عمق زیاد با پرتاب وسایلی که خاصیت شناور دارد مانند یک تکه چوب یا کلمن آب، فرد را نجات دهند؛ استفاده از تیوب‌های لاستیکی می‌تواند خطرناک باشد از این رو فاصله خود را با ساحل ثابت نگه دارید و همواره تذکرات ناجیان غریق را جدی بگیرید.

امید است مسافران و خانواده‌ها با رعایت این نکات ایمنی ساده، مانع از آن شوند که یک تجربه دل انگیز از سفر تبدیل به حادثه‌ای تلخ و غیر قابل جبران شود. برخی حوادث تلخ که به علت یک لحظه غفلت یا بی‌توجهی رخ می‌دهد دارای تبعاتی است که آثار ناگوار آن تا سال‌ها ماندگار است همچون کودکی که پدر یا مادر خود یا پدر و مادری که فرزند خود را در یک لحظه از دست می‌دهند اما یک عمر جای خالی آنها را احساس می‌کنند. پس می‌طلبد همانطور که بسیاری از مردم طی سال‌های گذشته با رعایت بیشتر نکات ایمنی در رانندگی، میزان تلفات جاده‌ای را کاهش دادند توجه ویژه‌ای هم به موضوع تلفات غرق شدن در دریا و رودخانه‌ها شود تا نه تنها شاهد کاهش چشمگیر این خسارت شویم بلکه دیگر چنین رویداد تلخی در بین خبرهای حوادث دیده نشود.

تمام خواسته‌های یک جوان نابینا چیست؟

پای درد دل معصومانه «محمد حسین»

وقتی تلفن به صدا درآمد در پشت خط جوانی مودب، با لحنی زیبا و دلنشین و با تسلطی تحسین برانگیز در ارتباط کلامی خود را معرفی کرد که «محمد حسین» است با ۲۰ سال سن و مدرک تحصیلی دیپلم، اهل اصفهان و البته نابینای مطلق.

وقتی که گفت نابینای مطلق مادرزاد است و می‌خواهد از مشکلاتش بگوید، متوجه شدم که او نیز به مانند بسیاری از کسانی که با دفتر روزنامه تماس می‌گیرند، دلسرد و خسته از مراجعات بی‌نتیجه به سازمان‌ها و مسئولان امر با ما تماس گرفته تا درد دل کند.

در بین صحبت‌ها و درد دل‌های او نکته‌ای که بیشتر برجسته بود نیاز به شغل و درآمد بود که این نیاز کم کم تبدیل به یک حسرت و آرزو شده بود. این جوان نابینا دل پری داشت از سازمان بهزیستی به عنوان متولی اصلی رسیدگی به معلولان و نابینایان و می‌گفت سال‌هاست با وجود اینکه طبق نظر کمیسیون در دسته افراد دارای معلولیت خیلی شدید قرار دارد از پرداخت مستمری به وی خودداری می‌کنند.

محمد حسین می‌گفت که در طول سال‌های تحصیلش تنها در برخی سال‌ها از کمک هزینه تحصیل اندک و ناچیز بهزیستی استفاده کرده است و تنها یک عصای سفید و یک دستگاه ضبط صدا برای استفاده در کلاس درس به او داده شده است اما اکنون که در سن جوانی با نیازهای بیشتر روبرو است تقاضاهای مکرر او برای دریافت مستمری که کمترین حق یک معلول آن هم با معلولیت شدید است بی‌جواب مانده است.

نکته جالبی که این جوان به آن‌اشاره کرد این بود که در سال‌های گذشته به دلیل اینکه سطح درآمد خانواده وی مناسب بوده است، پدرش با این منطق که مستمری حق کسانی است که نیاز دارند مخالف دریافت مستمری بوده است و هیچ گاه هم درخواستی برای این کار نداشته است اما در سال‌های اخیر که پدر به علت کسالت توانایی کمتری در انجام شغل سنگین و فنی خود دارد و درآمد ماهیانه پنج نفره آنها کاهش محسوسی داشته است و از سوی دیگر این جوان در این سن با نیازهای بیشتری روبرو شده برای دریافت این مستمری که هرچند اندک است اما گوشه‌ای از نیازهای او را پوشش می‌دهد اقدام کرده که به طرز عجیبی به در بسته خورده است.

داستان پر مسئله مستمری

این جوان که به قول خودش امیدی به ادامه تحصیل یا پیدا کردن شغل ندارد، برای رفع حداقل نیازهایش امید به دریافت مستمری دارد. اما خود مستمری نیز برای او داستانی تراژدی است. محمد حسین می‌گوید در بهزیستی اصفهان یک سال و نیم است که مراجعه و حتی التماس کرده‌ام تا با توجه به شرایط بیکاری و مشکلات دیگر با پرداخت مستمری(ماهی ۱۴۸ هزار تومان) به وی موافقت شود اما کارشناس مسئول بیمه و مستمری معاونت توانبخشی در پاسخ اعلام می‌کند که ما در نهایت مستمری ۶ هزار نفر معلول در شهر اصفهان را پرداخت می‌کنیم و ۳ هزار نفر را نیز در نوبت گذاشته‌ایم، هر وقت اعتبار برای آن سه هزار نفر تامین شد برای شما هم وصل می‌کنیم.

وی می‌گوید: رفتم توصیه نامه‌ای از فرماندار اصفهان ارجاع دادم اما این کارشناس مسئول بهزیستی اصفهان با لجاجت گفت تا زمانی که من زنده هستم اجازه برقراری مستمری به تو را نمی‌دهم چون اولویت‌های دیگری هست. از خیلی جاها پیگیری کردم اما دیگر اثری ندارد چون این کارشناس تا نخواهد این مستمری وصل نمی‌شود این در حالی است که در شهرهای مختلف اولویت به این صورت است که نابیناها مستمری می‌گیرند و حتی کسانی که کم بینا هستند و وضعیت خانوادگی مناسبی هم دارند این مستمری را دریافت می‌کنند اما نمی‌دانم چرا شامل حال من نمی‌شود در حالی که اگر کمیسیون پزشکی معلولیت شدید و خیلی شدید تشخیص بدهد باید مستمری پرداخت شود. این مبلغ برای من مهم است حتی در خود بهزیستی مرکز از اینکه من مشمول دریافت مستمری نشده‌ام تعجب کرده بودند.

افزایش مستمری‌ها نزدیک انتخابات

وی درباره مستمری‌ها نظر جالبی دارد و می‌گوید: در اوایل سال ۹۶ مستمری را سه برابر کردند که البته این اضافه شدن هم نزدیک انتخابات بود. آقای روحانی در ایام انتخابات گفت که در سال ۹۷ همه معلولان را مستمری بگیر می‌کنم، پس چرا من الان مستمری نمی‌گیرم؟ آقای جهانگیری گفتند ما معلولان را در ۱۰ درصد شرکت‌های بزرگ سهامدار می‌کنیم، پس چه شد؟

شاید آن مسئول مستمری در اصفهان هم غیر از نوع برخوردش حق داشته باشد، اما آیا تأمین مستمری معلولان برای دولت کاری دارد؟ دولتی که این همه برای تشریفات هزینه می‌کند توانایی تامین مستمری ۱۴۸ هزار تومانی چند هزار معلول را ندارد؟ مجلس و دولت باید وارد شوند. هزینه این کار برای دولت چیزی نیست. موضوع معلولان بسیار جدی است چرا که این قشر یک قشر آسیب پذیر هستند. من و امثال من نابینا چطور نیازهای روزمره خود را تامین کنیم. دوست دارم این حرف‌های من به گوش مسئولان برسد.

علاقه به ادامه تحصیلی که از بین رفت

محمد حسین از علاقه خود به ادامه تحصیل در رشته حقوق یا معارف اسلامی گفت که البته بعد از مشاوره با مسئولان بهزیستی این علاقه در او از بین رفته است. ماجرا از این قرار بوده است که مسئولان بهزیستی در پاسخ به سؤال او درباره امکان داشتن شغل بعد از ادامه تحصیل هر چند وعده برخی حمایت‌ها در تامین هزینه تحصیل را داده‌اند اما اعلام کرده‌اند «افراد بینایی هستند که با فوق لیسانس و دکتری بیکار هستند» و این پاسخ عجیب باعث شده است تا رغبت او به ادامه تحصیل کم شود.

او با نا امیدی می‌گوید در پاسخ به درخواست شغل نیز به من گفتند کاری برای نابینا نداریم.

انحراف در پرداخت وام‌اشتغال‌زایی به معلولان

این جوان نابینا از یک طرح نافرجام بهزیستی هم گله دارد و آن هم طرح پرداخت وام‌اشتغال‌زایی چند میلیونی با سود ۴ درصد به معلولان یا کارفرمایانی است که معلولان را استخدام کنند.

به گفته او تا کنون تعداد زیادی از کارفرمایان این وام را دریافت کرده و تعهد داده‌اند یک معلول را سر کار ببرند اما بعد از چند ماه فرد معلول را اخراج کرده‌اند بدون ضمانت اجرایی!

او می‌گوید امثال من هیچ حامی نداریم. من یک نابینای مطلق هستم و این وام برای افرادی مثل من کارایی ندارد چون ریسک است و ممکن است به نتیجه نرسد و یک بدهی زیاد بجا بگذارد.

خواسته زیادی ندارم

از او درباره خواسته‌ها و برنامه‌های آینده‌اش می‌پرسم که جواب می‌دهد: من خواسته زیادی ندارم. خواسته من این است کهاشتغال سالم زیاد شود دور از ترحم برای من و امثال من که تشکیل زندگی و خانواده دهیم و به خودمان و جامعه خدمتی در حد خود ارائه دهیم و از وجود ما استفاده شود و مفید باشیم. در کشورهای دیگر معلولان نقش دارند و در رده‌های مفید هستند و این حس مفید بودن را مسئولان می‌توانند ایجاد کنند.

توقع از جامعه هم این است که دیدگاه مردم به یک معلول و نابینا خوب باشد و به عنوان یک محدودیت دیده نشود، نه ترحم شود نه اجحاف.من واقعا دوست دارم موفقیت همه کسانی که مثل من هستند را ببینم و آنها شغل خوب و امید به آینده داشته باشند. همچنین مردم و کشورمان در همه عرصه‌ها موفق باشند به ویژه معلولان.

او باز هم از سخت بودن تحمل برخوردهای نامناسب و تحقیر آمیز و توهین آمیز درجایی که متولی امور معلولان و خانه دوم آنان است و حتی از خانواده می‌تواند موثرتر باشد گله کرد و گفت: من باید بگویم که بهزیستی اصفهان چقدر رفتارشان تحقیرکننده و توهین آمیز بوده است. بدتر از همه برخوردهای نامناسب مسئول مربوطه با مادرم بود که جای تأسف دارد.

مداحی اهل بیت(س) بدون چشم داشت مالی

محمد حسین از مداح بودنش گفت و اینکه علی‌رغم بیکار بودن و نداشتن درآمد، اعتقادی به دریافت پول برای مداحی ندارد و وقتی برای مداحی به جایی دعوت می‌شود چشمداشت مالی ندارد.

حاصل گفت‌وگوی من با این جوان دوست داشتنی نابینا هرچند برای او سبک‌تر شدن و برای من سنگین شدن بار مسئولیت درباره او و امثال او بود، اما این مسئولیت سنگین را به مدیران و مسئولان این حوزه بیش از پیش گوشزد می‌کند که حواسشان به این قشر عزیز با همه دلتنگی‌ها، نیازها و خواسته‌های حداقلی باشد.

نامه‌ای سرگشاده به اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی

نگذارید مساجد دولتی شود

mashreghnews.ir

آنچه از بررسی نقش مسجد در صدر اسلام به دست می‌آید، جامعیت مسجد در همه زمینه‌های عبادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی، نظامی، قضایی و... آن هم با محوریت روحانیت است؛ به طوری که مسجد نه تنها محل نیایش و عبادت، ذکر، وعظ و خطابه و تجمع مومنان در ساعات خاصی بوده، بلکه محل ابلاغ احکام و دستورها و آموزه‌های دینی، جایگاه قضاوت و اقامه حق، ستاد تبلیغات و روشنگری سیاسی و مرکزی برای آگاهی توده‌ها و بیداری عمومی و رفع مشکلات مردم بوده است.

اما پیرامون ماموریت هدایت، ارشاد و احیای نقش واقعی و تبلیغی مساجد برای مقابله با تهاجم فرهنگی که در سال ۱۳۹۶ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی واگذار شد؛ باید اذعان داشت که شورای محترم در همان وهله اول راه را به خطا رفته و باید این ماموریت خطیر به متولیان اصلی مساجد و در رأس آنها، حوزه و روحانیت سپرده می‌شد؛ روحانیتی که همواره، نه در حرف بلکه در عمل و از جهات مختلف، حراست و دفاع از نظام اسلامی را سرلوحه اقدامات خویش قرار داده و به طور مستقل و خارج از جناح بندی‌های موسمی، در چارچوب موازین اسلامی، عمل کرده‌اند و نقش بی‌بدیلی در پیروزی و تثبیت پایه‌های انقلاب اسلامی داشته‌اند. لذا احیای فعالیت‌های تبلیغی مساجد با محوریت مقابله با تهاجم فرهنگی بیش از همه به حضور و برنامه‌ریزی روحانیت وابسته است.

از طرفی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد یکی از زیرشاخه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است که می‌توانند با حفظ موازین اسلامی در مساجد به فعالیت بپردازند تا آرمان‌های اسلام و انقلاب را همگام با نیازهای مخاطبین و متناسب با عصر و زمانه، به اجرا درآورد و تنها در صورت هماهنگی و هم خوانی داشتن مواضع و فعالیت‌های آنان با ارزش‌های اسلامی، شایستگی حضور و فعالیت در مساجد را پیدا می‌کنند و این در حالی است که بررسی پیش‌نویس اساسنامه «مرکز ساماندهی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد» که در قالب ستاد هماهنگی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد کشور توسط وزارت فرهنگ و ارشاد تدوین شده،اشکالات عدیده‌ای در متن و ساختار آن به چشم می‌خورد، که زمینه انحراف از اهداف اصلی را فراهم می‌آورد، سندی که نه تنها با تهاجم فرهنگی مبارزه نمی‌کند که در صورت اصلاح نشدن، ممکن است تهاجم را زمینه‌سازی و راه‌های تغییر فرهنگ را فراهم کند؛ به طوری که جایگاه مردمی، انقلابی و بسیاری از کارکردهای مساجد را تحت‌الشعاع قرار داده و عملا منجر به واگذاری مهم‌ترین سنگرهای حفظ اسلام و انقلاب اسلامی خواهد شد.

بنابراین اکنون که دشمن برنامه‌های نفوذی خود را با ورود به پایگاه‌های ارزشی نظام دنبال می‌کند تا موریانه وار بخش هویتی انقلاب را سست و ویران کند، هرگونه غفلت کردن و سهل انگاری در برنامه‌ریزی و عملکرد نهادهای انقلابی خیانت به اسلام و انقلاب محسوب شده و غیر قابل اغماض است. لذا انتظار می‌رود اعضای محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، مسئولانه و متعهدانه این اساسنامه را مورد بازنگری قرار داده و در حفظ سنگرهای اسلام و انقلاب با دقت نظر و ظرافت بیشتری عمل نمایند واشکالات عدیده موجود در متن اساسنامه را با توجه به اهداف و جایگاه متعالی مساجد در نظام اسلامی، اصلاح نمایند و با حفظ محوریت روحانیت، مانع تغییر ماهیت و دولتی شدن مساجد شوند چرا که در غیر این صورت فلسفه وجودی کانون‌های فرهنگی و هنری در مساجد زیر سؤال رفته و به طور خود جوش و مردمی با ادامه فعالیت آنان در مساجد، مخالفت خواهد شد.

جمعی از طلاب، دانشگاهیان و فعالان مساجد مشهد مقدس